

▪ سال بیست‌وششم ▪ شماره ۷۳۳۵ ▪ پنجشنبه ۱۱ اردیبهشت ۱۳۹۹

ایران

صاحب امتیاز: خبرگزاری جمهوری اسلامی
مدیرمسئول: مهدی شفیع
سرمدیر: جواد دلیری

آذان ظهر ۱۳/۰۱ | آذان مغرب ۲۰/۱۰ | نیمه شب شرعی ۰۵/۱۵ | آذان صبح فردا ۴/۳۸ | طلوع آفتاب فردا ۶/۱۲

پیامبرصلی‌الله‌علیه‌وآله:هر کس را سگوتگر است سخن مردم را بیشتر باور می‌کند و هرکس دروغگوتر است مردم را بیشتر دروغگو می‌داند.

نهیج الفصاحه ص۲۷۲،ح۵۹۱

تلفن: ۸۸۷۶۱۷۲۰
نمابر: ۸۸۷۶۱۲۵۴
ارتباط مردمی: ۸۸۷۶۹۰۷۵
پيامک: ۳۰۰۰۴۵۱۲۱۳
روايه عمومی / نشانی: تهران خیابان خرمشهر،شماره ۲۰۸
مستدق پستی: ۵۳۸۸-۱۵۸۷۵ / امور مشترکین: ۸۸۷۴۸۸۰۰

چاپ: شرکت چاپ چاپ‌چم / سازمان چاپ و انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی
سازمان آگهی‌های روزنامه ایران: دارنده گواهینامه ایزو ۹۰۰۱ از شرکت NISCERT
تهران خیابان خرمشهر شماره ۱۶ / پذیرش سازمان آگهی‌ها: ۱۸۷۷ (۰۲۱)
انتشارات موسسه فرهنگی مطبوعاتی ایران: ۸۸۵۴۸۸۹۲-۵
http://irannewsaper.ir



نگاره

منموره دهقانی

کودک کار!

یاد

در حاشیه زادروز حمید سمندریان

استادی که با تئاتر کاسی نمی‌کرد

هشتاد و نهمین سال‌روز تولد حمید سمندریان را پشت سر گذاشتیم. کسی که از استادان و سرآمدان تئاتر ایران بود و بسیاری از هنرمندان تئاتر او را یکی از تأثیرگذارترین چهره‌های این هنر می‌دانند.

حمید سمندریان معلم و عزیز من بود به مدت بیش از ۲۰ سال. این افتخار را داشتم که از سال ۶۴ تا زمان درگذشت او شاگردش بودم و یک روز قبل از مرگ هم به دیدار او رفتم. شاید جزو معدود شاگردانی بودم که در مقطع لیسانس شاگرد حمید سمندریان بودم و در تمام ۸ ترم تحصیلم واحدهای درسی با او داشتم. در دوران فوق لیسانس هم شاگردش بودم و از سال ۷۱ کنار او به‌عنوان دستیار در دانشگاه فعالیت می‌کردم. دوره‌ای که ۱۲ تا ۱۵ سال طول کشید. سمندریان کار بزرگی که در حق همه ما انجام داد این بود که به ما یاد داد همیشه چیزهای تازه‌ای وجود دارد که ما از آنها اطلاع نداریم. می‌گفت شروع کنید به جست‌وجوکردن برای پیدا کردن پدیده‌های دیگری که نمی‌بینید. عماره تمام چیزی که حمید سمندریان به ما آموخت سؤال طرح کردن، به هر قضیه‌ای از زاویه جدید نگاه کردن و کشف مجهولات بود. اینکه واقعیت و حقیقت انتها ندارد. همیشه می‌گفت روزی که فکر کردید همه چیز را می‌دانید آن روز، روز تمام شدن شماس‌ت؛ روز پایان تان. دیگر ادامه ندارید و متوقف شده‌اید. سمندریان عاشقانه همه شاگردانش را دوست داشت. تا به حال استاد و معلمی داشته‌اید که اگر یک روز با شما حرف نزنند از غصه دق کنید؟ سمندریان برای من چنین استادی بود و شاگردی او برای من افتخار زیادی داشت. این‌قدر با محبت و رفیق بود که نهایت نداشت و در اوج محبت و رفاقت درباره کار تعارف نداشت.

سمندریان کار بد را هیچ وقت تأیید و کار خوب را هیچ‌وقت تکذیب نمی‌کرد؛ حتی اگر کار دشمنانه بود. او هدایت رانلیستی‌ت همراه خودش آورد، چون و چرا را همراه خودش آورد و از طریق ترجمه‌هایش چند نویسنده را به ما معرفی کرد. باید به این مسأله توجه داشته باشیم که ترجمه‌های سمندریان از کسانی مانند تنسی ویلیامز آن زمان تنها ترجمه‌هایی بودند که در ایران وجود داشتند. او سال ۴۲ گروه تئاتر تشکیل داد و مؤسسه راه انداخت و تئاتر اروپا را از طریق ترجمه به ما معرفی کرد. براساس همین کارها ما همیشه مدیون حمید سمندریان هستیم. تئاتر کاسبی نیست و برای حمید سمندریان تئاتر امر لازم و ضروری بود. صرافتی و کسب و کار نبود. نگاه کاسبکارانه به تئاتر نداشت و مخالف این نگاه بود. پای عقایدش، خواسته‌ها، فکرش و روش زیبایی‌شناسی‌اش ایستاد و تا جایی که می‌توانست این نگاه را آموزش داد. او شاید تنها در یک سال آخر عمرش تدریس نکرد. هیچ وقت نشد نام حمید سمندریان را بیاورم و به او سلام نکنم. چون زنده است و یکی از بزرگان تئاتر است که من کوچک‌ترین شان هستم. پس سلام بر حمید سمندریان.



امیر دژاکام بازیگر و کارگردان تئاتر



اتابک نادری بازیگر تئاتر و سینما

محمد الهیاری: به اجرای کنسرت بعد از عید فطر امیدواریم

امیدوارم بتوانیم بعد از عید فطر اجراهای صحنه‌ای را از سر بگیریم، گویا مجموعه سازمان سینمایی و سینما داران تلاش می‌کنند بعد از عید فطر سالن‌های سینما را باز کنند؛ البته در دفتر موسیقی فعلا در حد بررسی شرایط، تهیه پروتکل‌ها و اعلام به ستاد ملی مبارزه با کرونا عمل می‌کنیم.

واکنش مدیر کل دفتر موسیقی به اجرای کنسرت‌ها بعد از ماه رمضان

بخشی از گفت‌وگوی این مدرس و کارگردان تئاتر در گفت‌وگو با مهر

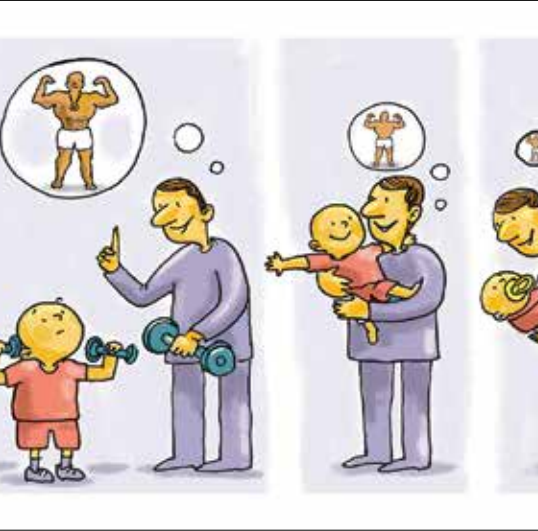
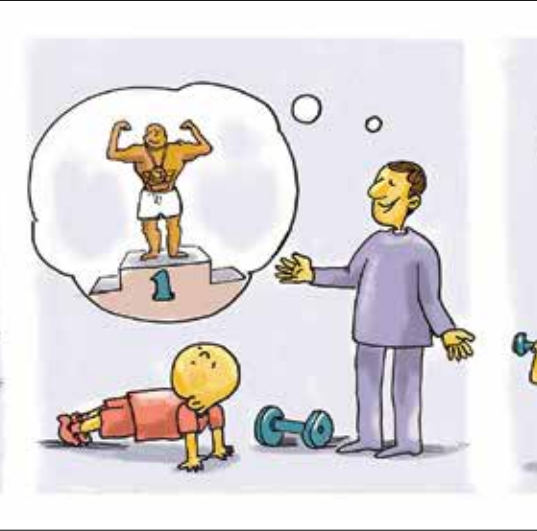
کیومرث مرادی: صدا وسیما می‌توانست تله تئاتر تولید کند

یکی از سازمان‌هایی که معتقدم در این دوران می‌تواند بسیار به هنرمندان تئاتر کمک کند اما کم‌کاری می‌کند صداوسیما است. صداوسیما می‌تواند با تولید تله‌تئاترهای متفاوت و ساخت برنامه‌های مختلف تئاتری در حمایت از تئاتر و آگاه‌سازی و روشن‌تر کردن جامعه نقش پررنگی داشته باشد. این کار شاید خیلی بیشتر از برنامه‌های دست چندم خارجی که در تلویزیون پخش می‌شود، اعتبار و طرفدار داشته باشد.

بخشی از گفت‌وگوی این مدرس و کارگردان تئاتر در گفت‌وگو با مهر

تئاتر در گفت‌وگو با مهر

تئاتر در گفت‌وگو با مهر



تئاتر در گفت‌وگو با مهر

هشتاد و نهمین سال‌روز تولد حمید سمندریان را پشت سر گذاشتیم. کسی که از استادان و سرآمدان تئاتر ایران بود و بسیاری از هنرمندان تئاتر او را یکی از تأثیرگذارترین چهره‌های این هنر می‌دانند؛ استادی که شاگردان بسیاری تربیت کرد که در سال‌های بعد یاد و خاطره‌اش را همیشه گرمی داشتند.

آغوشی بزرگ از اعتماد و آموزش

من همیشه دورویای دست‌نیافتنی داشتم؛ یکی دیدن ساختمان تئاتر شهر بود دیگری دیدن استاد سمندریان و از دوره‌ای که در آموزشگاه دانشجوی استاد سمندریان بودم و دوره‌های بازیگری را در محضرشان گذراندم این رؤیا محقق شد و تا امروز و حتی تا روزی که دیگر نباشم! «گالیله» که متأسفانه هرگز ارادت پابرجا خواهد بود. بعد از دوره دانشجویی وارد کار حرفه‌ای شدم و حمید سمندریان با مهر و لطف فراوان کارهایم را می‌دید و روبه‌روز این پیوند عمیق‌تر می‌شد تا اینکه از من دعوت کرد تا به‌عنوان مدرس در آموزشگاه‌اش تدریس کنم و توصیف شکوه این سال‌ها و انیس و مجاور او بودن واقعاً سخت است. بعدها در نمایش «گالیله» که متأسفانه هرگز به سرانجام و اجرا نرسید، افتخار حضور داشتم. بعد از آن برای بازی در «ملاقات با بانوی سالخورده» از من دعوت کردند که خوشبختانه این بار این مهم محقق شد. برای من چه چیزی بهتر از لطف همیشگی این استاد بزرگانه و حضور و همراهی همیشگی که در کنار خود احساس می‌کردم و تا پایان عمر شاکرم بابت این بخت. حمید سمندریان یک رفیق تمام‌عیار بود با تمام ویژگی‌های یک رفیق مهربان و ممتاز. رفاقتی دلسوزانه که اگر قدمی به نادرستی برمی‌داشتی نپیبی می‌زد و متوجه‌ات می‌کرد. او تجمع این ویژگی‌ها بود و شمولیت شخصیتش او را ممتاز می‌کرد که هم با نسل پیش از خود، هم با هم‌نسلان و هم با نسل آینده ارتباطی عمیق و سرشار از احترام برقرار کند و این یکی از رازهای وجودی اوست. نکته دیگر اینکه سمندریان همیشه مشتاق نگاه نو و نفس و خون تازه در پیکر نمایش بود. اساساً گستره شاگردانش و مخصوصاً درخشش کسانی که به او نزدیک‌تر بودند، محصول چنین بستری است که خودش مهیا کرده بود. سمندریان دانشجویش را تکریم می‌کرد و همیشه معتقد بود که تئاتر پدیده‌ای زنده است و نیاز به خون تازه دارد. می‌گفت: «یاد بگیر راحت بگویی نه!» -خودش بهترین نمونه و مثال از کسی بود که چنین ویژگی منحصره‌فردی داشت و در تمام سال‌های پرپار حیاتش، با وجود سختی‌هایی که متحمل شد، راحت «نه» گفت تا هرگز جایگاه و اندازه خود را با چالش روبه‌رو نکند. سمندریان راستی پدر کارگردانی نوین تئاتر ایران است و کارگردان‌های تئاتر چه مستقیم و چه غیرمستقیم از او بهره‌های فراوان بردند و اهالی تئاتر از مرحوم عزت‌الله انتظامی تا رضا کیانیان و من و هم‌نسلانم با شوق و ذوق و افتخار از او حرف می‌زنیم و همین شانس می‌دهد که او دیگر به نسل و نسل آینده خواهد ماند. این نکته را هم فراموش نکنیم که نگاه و سلیقه او در بازیگری هنوز روزآمد و کارآمد است و طبیعتاً بیست – سی سال پیش هم بسیار بکر و روبه‌جلو بوده و کاربرد داشته است. نکته دیگر، همان‌طور که در سطح‌های بالا هم به آن اشاره شد، طیف گوناگونی از شاگردان را می‌شود دید که در ظاهر ربطی به هم ندارند اما جانشان با یک نخ تسبیح به هم گره خورده است و آن نخ تسبیح حمید سمندریان است. چند سال پیش مقاله‌ای نوشتم با این عنوان که «حمید سمندریان را نباید دید، باید فهمید» واقعاً سمندریان به‌عنوان یک پدر مهم و کلید واژه‌ای مکرر باید به ما آورده شود و در هر مناسبت و به‌هر توفیقی باید نزد تئاتری‌ها یادش زنده نگه داشته شود. باید کسی که انسان بود و بسیار درجه یک و نوگرا و کار و همیشه تمنا می‌برای نگاه‌های تازه درونش وجود داشت و از طرفی دیگر، شجاعت و بی‌پروایی خاص خود را در حوزه اجرا داشت.



پیام دهمدرگی بازیگر



وقتی به ضرورتی سری به خانه و خلوتشان می‌زدم در را باز می‌کرد و می‌گفت بیا بالا با هم چای بخوریم و حتماً از یک‌های همسرشان مرحوم هما روستا هم تعارف می‌کرد و می‌گفت از این یک‌های هما هم بخور خیلی خوشمزه است. درست مثل یک رفیق شفیق در خانه‌اش به روی ما باز بود و همین شخصیت و نگاه منحصر به فرد و صمیمی‌اش آدم را مدیون محبتش می‌کرد. در جایگاه استادی هم، سمندریان کسی نبود که فقط به شاگردان خودش علم و محتوای فنی تزریق کند و کاری مثل روایات انجام بدهد. هرگز. سمندریان به شاگردانش تفکر و تأمل و نگاه متفاوت داشتن را می‌آموخت و در کنار آن به وجه و وزن علمی دانشجویش دقت داشت. برایش مهم بود که اهل هنر‌نگاهی هنرمندانه به پیرامون خود داشته باشند و همیشه می‌گفت باید متفاوت ببینید و ببیندیش. یاد هست که یکی از دوستان گله می‌کرد از اثری ضعیف که روی صحنه رفته از ترجمه یکی از کتاب‌های جناب سمندریان. پاسخ استاد این بود که هر کسی به اندازه درک و دریافت و فهم خودش کار می‌کند و ما نباید دیگری را تخطئه کنیم بلکه باید تفاوت‌ها را درک کنیم و کار درست را انجام دهیم. پس از نظر من و بسیاری دیگر چون من، حمید سمندریان به معنی و مفهوم کامل کلمه معلمی بود با توانایی علمی بالا و شخصیت هنری بود با بینش هنری والا. بعدها که مسئولیت مدیریت تماشاخانه سنگلج به من محول شد بارها افتخار دادم و دعوت‌م را پذیرفتم و کارهایی را تماشا کردند و یکی از جذاب‌ترین خاطره‌های ما دیدار تاریخی او با هم‌کلاس‌اش سید پیترا اشتاین بود که سال ۱۳۸۹ برای جشنواره تئاتر فجر به ایران آمده بودند و دو اجرا داشتند و خانم روستا و جناب سمندریان هر دو شب اجرا را به تماشا نشستند. نکته پایانی اینکه تا قبل از سمندریان تئاتر ملی و ایرانی به شکلی دیگر تعریف شده بود. سمندریان تعریف جامعی از این عنوان ارائه داد و وجهی جهانشمول را به تئاتر ایرانی اضافه کرد و با ترجمه آثار مهم ادبیات نمایشی ظرفیت‌های بسیاری پیش روی آینگان گذاشت.

دعای روز ششم

ماه مبارک رمضان

اَللّٰهُمَّ لَا تَخْذُلْنِيْ فِيْهِ لِتَعْرِضَ مَغْصِبِيْكَ وَلَا تُضْرِبْنِيْ بِسِيَاطِ ثَقَمَتِكَ وَ زَخْرَجْتَنِيْ فِيْهِ مِنْ مُّوْجِبَاتِ شَخْطِكَ يَمْنَكُمْ وَاَيَادِيكَ يَا مُنْتَهٰى رُغْبَةِ الرَّاٰغِبِيْنَ
خدايا مرا در اين ماه به خاطر نزديك شدن به نافرمانی ات وامگذار، و با تازيانه های انتقامت عذاب مكن و از موجبات خشمتم دورم بدار، به فضل و عطاهايت، اى نهايت دلبستگي دل شدگان.

دعای روز هفتم

ماه مبارک رمضان

اَللّٰهُمَّ اِنِّىْ فِيْهِ عَلٰى صِيَابِهِ وَ قِيَامِهِ وَ حُبْنِيْ فِيْهِ مِنْ هَفْوَاتِهِ وَ اَنَامِهِ وَ اَرْزُقْنِيْ فِيْهِ ذِكْرَكَ بِدَوَامِهِ وَتَوْفِيْقِكَ يَا هَادِيَ الْمُضْلِيْنَ
خدايا مرا در اين ماه بر روزه و شب زنده داريش يارى ده و از لغزش‌ها و گناهانش دورم بدار و ذكرت را همواره روزى ام كن، به توفيقت اى راهنماى گمراهان.

ماه میهمانی خدا (۷)

فضیلت نماز شب

«وَمِنْ اللَّيْلِ فَتَهَجَّدْ بِهِ نَافِلَةً لَّكَ عَسَىٰ أَن يَبْعَثَكَ رَبُّكَ مَقَامًا مُّخْتَوًا» (اسراء، ۷۹)

و پاسی از شب را برای عبادت و بندگی بیدار باش که این افزون [بر واجب]، ویژه نوست، امید است پروردگارت تو را [به سبب این عبادت ویژه] به جایگاهی ستوده برانگیزد.

بر اساس این آیه، نماز شب بر پیامبر اکرم(ص) واجب بود و بر دیگر مسلمانان مستحب است.

نماز شب از نمازهای بسیار بافضیلت است و در سوره‌های مزمّل و مدثر سفارش اکید شده است: «قُمِ الْاَيْلَ الْاَقِيلَا» در روایات بیش از ۳۰ فضیلت برای نماز شب برشمرده شده است که به برخی از فضایل آن اشاره می‌شود: نماز شب، رمز سلامتی بدن و روشنائی قبر است. نماز شب، در خلق و خوی، رزق و روزی، بر طرف شدن غم و اندوه، نورانیت چهره و روشنائی چشم مؤثر است.

نماز شب، گناه روز را محو می‌کند و نور قیامت است.

امام صادق (ع) می‌فرماید: پاداش نماز شب آن قدر زیاد است که خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: «فَلَاتَعْلَمَ نَفْسٌ مَا أُخْفِيَ لَهُمْ مِنْ قُرَّةِ عَيْنٍ جَزَاءُ بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ» هیچ‌کس پاداشی را که برای آنان در نظر گرفته شده نمی‌داند.

امام صادق (ع) فرمود: شرف مؤمن، نماز شب است و عزتش، آزار واذیت نکردن مردم.

در حدیث می‌خوانیم: درممانده کسی است که از نماز شب محروم باشد.

ابودر کنار کعبه مردم را نصیحت می‌کرد که برای وحشت و تنهایی قبر، در دل شب دو رکعت نماز بخوانید.

پیامبر اکرم‌صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمود: بهترین شمس‌کی است که کلامش نیکو باشد. گرسنگان را سیر کند و به هنگامی که مردم در خوابند، نماز شب بخواند.

آن حضرت سه بار به علی بن ابیطالب(ع) فرمود: بر تو یاد به نماز شب. «علیک بصلاة اللیل، علیک بصلاة اللیل، علیک بصلاة اللیل»

شخصی به حضرت علی (ع) گفت: از توفیق خواندن نماز شب محروم شده‌ام! امام فرمود: «قَدْکُنتَ ذَنوبِک» گناهانت تو را باز داشته است.

امام صادق (ع) فرمود: رسول خدا(ص) در رکعت آخر نماز شب، هفتاد مرتبه استغفار می‌کرد.

■ سرخیزی و شب‌زنده‌داری

«إِن تَاشَأَنَّ اللّٰهَ یَهْدِ أَشَأْکَ وَطَاقُومٌ قَیْلًا» (مَزمل، ۶)

همانا برخواستن در شب (برای عبادت) پایدارتر و گفتار آن استوارتر است.

خداوند به تمام قطعات زمان سوگند یاد کرده است: «والفجر»، «والصبح»، «والنهار»، «والعصر» اما به سحر سه بار سوگند یاد شده است: «واللیل اذا یسر»، «واللیل اذا تسعس»، «واللیل اذا أدبر» یعنی سوگند به شب هنگام تمام شدنش.

و درباره استغفار اهل ایمان در سحر دو جا فرموده است: «و الاسحار هم یستغفرون»، «المستغفرین بالاسحار»

خداوند به حضرت موسی (ع) خطاب کرد: ای موسی، دروغ می‌گویدی کسی که خیال می‌کند مرا دوست دارد ولی هنگامی که شب فرارسد، به جای گفت‌وگو با من، به خواب می‌رود.

پیامبر خدا(ص) فرمود: دو رکعت نماز در دل شب، از دنیا و آنچه در آن است نزد من محبوب‌تر است.

دستم را رها مکن

ای صاحب تمام پیدا شدن‌ها!

ای پروردگار همه ییونداها!

ای پژواک فراوان نزدیکی‌ها!

این غنچه جز به لیلخت تو نمی‌شکفت پس بخند! این سرگشته جز بناگاه آرام و امن تو جایی نمی‌داند پس پناه! این پرند جز آشیانه نگاه تو نمی‌شناسد پس نشانه‌ای! این بنده، تو را جز به آمرزش نمی‌شناسد پس باز هم بنده نوازی کن...

قدر گرمی که حدی برای آن نمی‌یابم. تو همه مهری. می‌گریزم از تو به تو. همانند فراق کودکی ناسپاس به دامن مادر کن او مهربان است. اما تو کجا و او کجا... تو آنقدر با من «تا» کرده‌ای که تصور می‌کنم ندیده‌ای. آنقدر رسوایم نکرده‌ای که گمان می‌برم نشنیده‌ای و آنقدر چشم پوشیده‌ای که بی‌حیا شدام.

ای نزدیک مثل نفس! ای آشنا مثل سلام!

دستم را رها مکن می‌ترسم لحظه‌ای غفلت یک عمر حسرت را به‌دنبال داشته باشد. اگر دستم را رها کنی گم خواهم شد مثل قاصدک‌هایی که بادهای سخت آنها را در هوا آواره می‌کنند. می‌چرخند و می‌چرخند و هیچ‌کس برایشان دلتنگ نمی‌شود. اگر دستم را رها کنی غریب می‌شوم و هیچ‌کس به آشنایی ام نمی‌آید. اگرهایم گنگی تنها می‌شوم مثل درختی سوخته در کویری برهوت. مثل مسافری که از قافله جدا شده است. مثل کودکی که مادر را گم کرده باشد. دستم را رها مکن و گر نه گم می‌شوم. دستم را رها مکن حتی به قدر پلک زدن... مهربان را غریب و تنها مگذار آواره خویش را به صحرای مگذار یک عمر اسیر خویش بودم دیگر یک لحظه مرا به خویشتن و مگذار



سید حبیب حبیب‌پور